

تعلیم و تربیت

سال هشتم

خرداد و تیر ۱۳۱۷

شماره ۳ و ۴

نگارش: آقای بهار استاد ادبیات فارسی در دانش سرای عالی

تعلیم زبان فارسی

- ۱ -

و کتابهایی که لازم داریم

تا وقتی که مردم خود را دوست دارند، بالطبع زاد و بوم و زبان و کارنامه‌های

پدران خود را نیز دوست خواهند داشت.

این دوستی موجب توجه بزاد و بوم و زبان و کارنامه‌ها گردیده و این توجه مستلزم

بررسی و نگرش شده، و بررسی و نگرش سبب بهبود می‌گردد.

پس مردم مغبورند که میهن و زبان و کارنامه‌های پدران خود را بررسی کرده و عیبهای آنرا کاسته و برزیبائی و رونق آن بیفزایند - و این خود امریست طبیعی و اینست راز پرورش و سرمایه تمدن و پایه نخستین ترقی ملی ...

چند چیز است که از این حسه طبیعی که شرح دادیم، می‌کاهد و مردم را از اعتنا

بمیهن و زادگاه و زبان مادری، و توجه علمی و فنی باین مسائل باز میدارد - که اهم آنها

شکستهای ملی و قرار گرفتن در زیر پنجه ملت غیر هم‌زبان میباشد - و تا وقتی که

مردمی شکست خورده پیرو و تابع آئین و قوانین ملت دیگری باشند توجه آنها بخویشتن

از لحاظ زبان و میهن و کارنامه‌های کهن کم شده و زیادتر بزبان ملت غالب و تاریخ کارنامه‌های

آن ملت توجه و اعتنا مینمایند - اگر صرف و نحو و لغت بنویسند برای زبان فاتح و اگر

تاریخ برنگارند برای پدران و اجساد ملت غالب و اگر خدمتی بکنند بمیهن و مرکز

اصلی همان ملت خواهد بود - حتی در ادبیات و اشعار هم میل دارند بزبان ملت پیروز

سخن گویند!

گاه میشود که سیطره آن غلبه و پیروزی از میان برخاسته و نخوت و غرور طبیعی ملی بازگشته و آثار آن شکستها محو میشود، لیکن باز دنباله حرکت قسری قدیم تا مدتی دراز باقی میماند، و اگر مردم بیخبری باشند تاقرنها آن یوغ بندگی را از گردن نخواهند نهاد، مگر کسی پیدا شود و آنانرا براهی که طبیعی است باز آورد!



زبان پارسی از آن زبانهایست که مانند دفينهای فرعونى يا آثار هخامنشى بخش بیشترین آن هنوز در زیر خاک پنهانست، برخی از آن مکشوف و بهری نیمه مکشوف، قسمتی ضایع شده، و پاره ای در ژرفای خاک زمین سالم و زیبا باقی است که بایستی از روی تخصص و علم آنها را بیرون آورد و گردو خاک فراموشی و نابودگی را از رخسار آنها زدود و هر گاه از روی بیعلمی بخواهند آنها را بیرون آورند ضایع خواهد شد و زیانش از سود بیشتر خواهد بود.

برای زنده داشتن زبان و میهن ایران، کوششهای فراوانی در قرون سه و چهار و پنج و شش هجری شده و حزب شعوبیه و پادشاهان خراسان و سیستان و طبرستان و گرگان در اینراه جانها کنده و کارها کرده اند، و در نتیجه آن زحمات بوده است که شاهنامهها و تاریخ و تفسیر بلعمی و مرزبان نامه و کلیده و دمنه و قابوس نامه و سایر تواریخ و ادبیات و دواوین شعری و داستانهای ادبی چون خمسه نظامی و مشنویات عطار و مولوی و غیره بوجود آمده است.

اما باز سیطره پیروزی ملت غالب از چندین نظر مانع کمال و جمال این جنبش گردیده و در کشش يك قرن، تنها تقلیدی از آن جنبش ها بر جای مانده و حقیقتی که داشته است بتدریج از بین رفته است و علت اصلی این اوضاع، انقراض پادشاهان ایرانی نژاد و بروی کار آمدن سلاطین اجنبی بوده است.

از اواخر پادشاهی صفویه باز جنبش دیرین تجدید گردید - کتب لغت و تاریخ و دواوین شعری زیادی از اثر همت اکبر پادشاه گورکانی هند و وزیر بسی نظیر وی ابوالفضل دکنی در هندوستان بوجود آمد - اما افسوس که این نهضت خیلی دیر شده بود،

و زبان فارسی حقیقت علمی خود را از دست داده و صورتی خالی از معنی بر جای مانده بود و احياناً اگر هم برای بدست آوردن دفتینهای دیرین سعی مبذول میشد چون بدون تخصص و از روی قواعد صحیح نبود اشتباههایی رخ میداد - و اغلاطی از آن قبیل که سراپای جهانگیری و برهان قاطع و کتابهای جعلی دساتیر و شارستان و آئین هوشنگ و خان آرزو و نامه خسروان و ناسخ التواریخ و آینه اسکندری و غیره را پوشانیده است بوجود میامد!

در واقع این جنبش که از قرن نه و ده هجری آغاز شده و هنوز هم بر سر آن گفتگوها و جنگالها برپاست در پیرامون همان قسمت ظاهری این آثار و نقوش و اشکال دلربا گردش میکرد و یککاش بهمان ظواهر قناعت کرده و بحفريات و کاوشهای دیگری از قبیل شرح کردن بعضی لغات و انتخاب کلمات زند و پازند(?) و غیره دست نزده و مارا امروز بزحمت عجیبی نینداخته بودند!



از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری جنبش و حرکت علمی

دیگری در راه زبان و تاریخ ایران بوجود آمد و این جنبش از برکت زحمات خاور شناسان پیدا شد و خواه ناخواه اگر انصافی باشد باید این حرکت را از آنان دانست و از ایشان شکرگزاری کرد. *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* این جنبش بعد از خواننده شدن خطوط میخی و ترجمه اوستا بزبانهای اروپائی و حل رموز و عقود خط پهلوی و چاپ و نشر کتب طبری و ثعالبی و مسعودی و ابن الندیم و امثال آنها و انتشار کتب و رسالههای پهلوی بزبان و خط اصلی با ترجمه های مختلف آن از طرف علمای آلمان و انگلیس و فرانسه و روس و چندتن از پارسیان آغاز گردید و حفريات شوش این معنی را تأیید نمود.

این فضلا بمدد آثار باقیمانده قدیم، سایر قسمتهای مدفون و مبهم زبان رادسته دسته از زیر انقاض ابهام بیرون کشیده و در عرضگاه تحقیق گذاردند - از سوئی طلسمهای اوستا گشاده شد و از طرفی رموزات و راز هزوارشهای پهلوی کشف گردید، علمای فقه اللغة و زبان شناسی پایها و قاعده های قدیمی این زبان را بتدریج کشف کردند، و برای دیگران جاده را صاف نمودند.

بسیاری از لغات و ترکیبات زبان زیبای دری که افتخار ادبیات ما بدانهاست ، چنانکه بالاتر گفته شد ، مغلوط و دستخوش حدس و تخمین بود - مثلاً گاهی دیده میشود يك شعر که دارای يك لغت غریب است بچندین طریق نوشته و خوانده و معنی میشود گاهی در يك فرهنگ فارسی يك لغت را بده قسم و با ده املا نوشته و ده دوازده معنی تقریبی برای هر قسمتی تصور میکردند که بالاخره عاقبت نه لغت اصلی بدست آمده و نه معنی حقیقی درك میشود - که بدبختانه درمیان بعض فضلاء ایران هنوز این خطاپوئی پابر جاست ! یکی از شواهد ما کتاب فرهنگ جهانگیری است که لغت (وهیژک) را مثلاً (بهترک) میخواند و دیگر برهان قاطع است که لغت (مرک ارژان) را مثلاً (مرکز راین) و هزوارش چشم را که (عینه) باشد (اینمن) و یا (قفاهیر !) را بمعنی (روی نیکو) ضبط کرده و خیر البشر را شیر البشر آورده است ! که شماره این قبیل لغات درین کتاب و سایر کتب لغت از هزار هم تجاوز میکند !

این قبیل طلسمها از برکت کشفیات جدید یکی یکی گشاده شد ، بعلاوه کتب اسلامی فارسی بهمت خاورشناسان شهیر چون مرحوم شفر فرانسوی و ژوکوفسکی روسی - وادوارد برون انگلیسی و غیره نیز باطرزی مرغوب و محققانه بچاپ رسید . این حرکت علمی بالطبع بخود ایرانیان هم سرایت کرد و فضلائى مانند آقای محمد قزوینی ادیب و محقق معروف و سایر دانشوران ایرانی که بحمدالله همه در رضوان زندگی و غالباً در عنفوان جوانی اند پیدا آمدند و کتبی چند با تصحیحات فنی که خود عملی تازه است بهمت آنان از ورطه گمنامی یا خرابی بیرون آمد و جانی تازه یافت و اکنون نیز یکی از مشروعات عمده وزارت معارف ایران و اداره انطباعات آن احیای آثار قدیم فارسی با این روش علمی تازه میباشد - و نیز در دانشگاه بزرگ

تهران خط و زبان اوستائی و پهلوی - که از ده سال قبل با تمام دولت شاهنشاهی در ایران بتوسط پروفیسور هرتسفلد آلمانی درس داده شده و فضلائى نیز در داخل و خارج از این علوم توشه وافى بر گرفته اند - تدریس میشود .

امید است که اگر این مشروع دنبال شود در ظرف چند سال غالب کتب نفیس قدیمی فارسی از انحصار و اندثار و ظلمت اغلاط و اشتباهات عظیم که در طی قرون

گذشته بدان دچار شده است، بیرون آمده و هر هفت کرده در آغوش عشاق زبان پارسی آرام گیرد.

این نکته را باید اینجا متذکر شویم که مایه و ماده اصلی تعالیم زبان فارسی آثار نثر و نظم قدیم این زبانست که هزاریک آن از دستبرد حوادث برکنار و برای مایادگار مانده است، چنانکه باقی ماندن این زبان که علت اصلی باقی ماندن استقلال و شخصیت سیاسی ایرانست از برکت همین قبیل کتب است که اجداد ما آنها را مانند جواهر گرانبها دست بدست تا با امروز نگاهداشتند و بپاسپردند.

لیکن بسبب عدم امانت کاتبان و اسباب دیگر تمام این کتب مغلوط و دست خورده و ناقص است، و همین معنی سبب گمراهی بسیاری از فضیلاب فارسی زبان و حتی ادبای ایران شده که شرح آن موضوعی جداگانه است - و ما اگر بخواهیم از این گمراهی بیرون آئیم و زبان خود را لااقل بسلامت عصر سعدی و حافظ برسانیم باید آن کتب را بوسیله اهل فن که بدبختانه حکم کیمیا دارند باصلاح رسانیده و بدست نوآموزان بسپاریم و حتی کتب چاپی قدیمی را هم از نو اصلاح نمائیم.

فهداسیوف^۱ یا عدی بن مالک^۲ کثیر ولیکن این بالسیف ضارب^۳

خوشبختانه وزارت معارف باین نکته بخوبی پی برده و ارباب معارف را باین معنی وقوف افتاده است که تا همه اسناد و مآخذ زبان خاصه از مغول بیالا در دسترس اهل فن نباشد و آن اسناد نیز در سایه بخشهای انتقادی بصلاح بساز نیاید، درد بیسوادی فارسی که تازه محسوس شده است بدرمان نمیرسد، و رفع شبهات نمیشود، و حل عقود میسر نمیگردد، و اغلاط دیگری هم بر غلط های معروف میافزاید!

بنا بر این لازم بل واجبست که نخست متنهای قدیمی را از گرد و غبار نسیان شسته و از دستبرد کاتبان و نویسندگان بی انصاف که هر کلمه را که نفهمیده اند عوض کرده و از کران سطری بکران سطر دیگر میان زده، و الفاظ قدیم را بمیل خود بالفاظ معاصر بدل کرده اند، آزادی بخشیده و سپس بتهیه لغت و دستوری جامع و کامل اقدام شود و تاریخی در تطوّر نظم و نثر تدوین گردد تا از نتیجه مجموع این

کارها بتوان درسی تمام بدانشجویان داد و آنانرا برای شنواری درین دریای بی پایان که اقیانوسی ژرف و محیطی بی کنارست آماده و مهیا ساخت ، و همگانرا از بند و دام دساتیر و برهان و آناندراج یا از خلاب تقالید السنه بیگانه آزادی و خلاص داد. چه هر کس بخواهد یکی از کتب خطی یا چاپی قدیم را که لا اقل از عصر تیموری بالاتر تألیف شده باشد از روی دقت از نظر رفع احتیاجات فنی قرائت کند اگر آن کتاب را هم اندر زمان بدور نیندازد و لعنت بر کاتب نفرستد ، لا اقل برای حلّ هر مطلبی باید یکماه زحمت بکشد ، و هر یکی از اعداد و رقوم تاریخ و یا نامهای خاص را خواه اسم کسی یا نام شهری باشد بصد شکل مخالف در نسخهای مختلف دیده و سرش دوار پیدا کند تا عاقبت آنرا از روی یکی از کتب تصحیح شده اساتید معاصر فرنگ یا مصر یا ایران بیابد ، و با وجود این در تار و پود جملههای مختلف و الفاظ کونا کون و متفاوت و کم و زیاد های بیمورد و یا با مورد که معلوم نیست کدام از مؤلف و کدام از نسخ است مانند مگس در تار جولاهه بگیر افتد و طنین ناتوانی وی فضای کتابخانه اش را پر سازد !

اینست حال کتبی مانند تاریخ بلعمی یا جوامع الحکایات یا بیهقی یا کلیده و امثال آنها که نسخهای متعدد از هر کدام موجود میباشد و وای بحال کسیکه بکتبی منحصر بفرد مانند تاریخ سیستان یا مجمل التواریخ و القصص (که فقیر دچار هر دو بوده ام) دچار گردد ، نسخه بدلهائی برای کلمات و جملتها نیابد و اخباری نادر و بی سابقه دران بیند و بنامهائی تازه یا ترکیهای شاذ بر بخورد که نتواند برای حلّ آنها از جای دیگر مدد گیرد !!؟

استفاده از این کتب که هم قدیم باشد و هم نسخه بیش از یکی نباشد ، مانند آنست که کسی تلی خراب را بامید آنکه در زیر انقاض آن کنوزی نهفته یا دانهای کوهری پراکنده است بکاود و برای این کند و کاو اسباب و ابزاری هم در کف نداشته باشد و تنها از روی عشق و سودا کند و کاوی کرده و مانند کسی باشد که معشوقه ناز پرورد خویش را بخواهد با دست و پنجه از زیر آوار بیرون کشد !



زبان فارسی تا چندی قبل زبانی بود که چون بقول مردم ایران همه آن را

میدانستند هیچکس آنرا نمینخواند و بآموزگاران و معلمان زبان فارسی هم توجهی
 کما هو حقّه بعمل نمی آمد!

بنا بر این چون بزبان فارسی اعتنائی نمی شد، اساتید زبان فارسی هم کمیاب و
 بیقدر بودند. و از میان شعرا نیز در هر هزار نفر شاید يك نفر بود که تا اندازه برموز
 زبان فارسی واقف باشد، آنهم همینکه از حدود شعر خارج می شدند پای تتبعشان
 لنگش پیدا میکرد!

نثر فارسی نیز با نثری 'معرب' که روابط آن فارسی باشد بدل شده بود، و نثر
 معمولی نیز نثری رکیک بود که هر چند در ادای معانی سعی میکردند در حدود الفاظ
 دچار وقفه و سستی بودند. و بندرت ذوقی سلیم مانند قائم مقام یافت می شد که بالفطره
 نثری شیوا و لطیف از خود بوجود آورد و اتفاقاً چنان نثری را مردم ایران دیگر نمی
 پسندیدند چنانکه امروز هم نمی پسندند و بیشتر به نثر ساده میل دارند.

کتب علمی فارسی بیشتر در هندوستان تألیف می شد. چه آنها اینزبان را
 بدرس خوانده و دچار غرور زبان مادری نبودند، لیکن معایب و نقایص آن کتب
 علمی هم چنانکه گفتیم بجای خود بر کسی پوشیده نبوده و نیست، و علاوه بر آن
 از حیث رکاکت الفاظ مانند برخی جراید فارسی زبان مستوجب ملامت بوده و مورد
 ضحرت قرار میگرفت.

از پانزده شانزده سال باینطرف در دولت شاهنشاهی باینمعنی دقیق پی برده
 شد که باید زبان را خواه مادری و خواه بیگانه در آموزشگاه و از روی کتاب و در
 زیر دست معلّم و استاد خواند.

اهمیت زبان در این دوره بهتر از سایر اعصار نمایان گردید، حسّ ملیت در
 اینزمان بیش از ازمنه غایره بروز و ظهور یافت، فواید پرداختن زبان و اخراج لغات
 غیر لازم دخیل درین عصر بیشتر محسوس شد و معایب آن درین وقت زیادتر بدذهنها
 سایه افکند - بنا بر این میدان تدریس زبان شیرین فارسی رفته رفته فراخ گشت، و
 وسایل و اسباب آن هم چنانکه گذشت یکی یکی آماده شده و میشود.

تنها در چند مورد دچار تنگدستی بوده و هنوز هم هستیم که بایستی بهمت ارباب فضل این تنگدستی از پیش بر خیزد .

و ما آن چند مورد را بحکم **الاهم فالاهم** ، در اینجا یاد آور میشویم ، و سپس در مقاله دیگر علل آنرا روشن ساخته و ضروریات دیگری که باید ضمناً آماده گردد شرح خواهیم داد .

آنچه فعلا تدارك آن از واجباتست و اولیای معارف نیز بلزوم آن کاملاً پی برده اند بقراریست که در زیر نموده میشود :

- ۱ - **سرد آوردن فرهنگی فارسی** که تمام لغات ادبی و علمی و گفتگویی و صنعتی فارسی در آن فراهم آید - و از خطاها و لغزشهای پیشینیان بر کنار باشد .
- ۲ - **تاریخ ادبیات نظم و نثر** ، بطرز امروز و بطریق کامل که در دانشگاهها نیز بتوان از آن استفاده کرد و استادان از جزوه دادن و شاگردان از سرگردانی نجات یابند
- ۳ - **دستور زبان - صرف و نحو و معانی و بیان** ، با استقصای کامل که راهنمای معلم و دبیر و استاد باشد ، و چیزی از خصوصیات و ویژگیهای زبان فارسی از آن فوت نشده باشد .

- ۴ - **لزوم تهیه چاپخانه های فنی با داشتن بهترین و کاملترین وسایل** علاوه بر آنچه که فعلا موجود است برای چاپ کتابهایی که تدارك میشود و آماده داشتن حروف لازم و متنوع و رعایت در تصحیح و غلط گیری دقیق و فنی و حسن انتظام و خوبی مرکب و غیره تا بتوان کتبی را که بزحمت آماده میشود درست از کار بیرون آورد .

شهریور ۱۳۱۷ - م . بهار